

خوانش و تحلیل لکانی حکایت «شهریار و برادرش شاهزمان»

علیرضا نیکویی^۱

علی صفایی^{۲*}

عباس براری جیرندهی^۱

چکیده

امروزه مطالعات بینارشته‌ای و نقد روان‌کاوانه، افق‌های تازه‌ای به روی پژوهشگران گشوده‌است. قصه‌های هنر/رویک‌شب تاکنون در اشکال گوناگونی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، اما جنبه روان‌کاوی قصه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. درون‌مایه حکایت «شهریار و برادرش شاهزمان»، بیانگر مشکلی منحصر به تمدن است، که بررسی آن می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای از معانی نهفته را به روی مخاطبان بگشاید. با آنکه فروید، پدر روان‌کاوی، به خوانش آثار شاعران و نویسندگان از جمله داستان‌های وهم‌آمیز و فراواقع‌گرا روی آورده بود و منشأ الهام خود و آنها را با دو روش متفاوت، یکی می‌دانست (شریعت کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۳)، ولی در ادبیات روزگار ما، نقد روان‌کاوانه، آن‌گونه که شایسته است، حضور برجسته‌ای ندارد یا مورد نقد شدید کسانی است که از نظریه‌پردازانی چون فروید، لکان و دیگران حمایت نمی‌کنند. توانایی‌های تحلیلی روان‌کاوی و استعداد آن در تفسیرگری، ما را بر آن داشت که با توجه به نظریات لکان، حکایت بنیادین و اصلی هنر/رویک‌شب را رمزگشایی کنیم. نظریات لکان با همه مشکل‌فهمی، نه کژفهمی مفاهیم فروید را در بر دارد و نه در آن از برترشماری روان‌شناسی واقع‌گریز و عرفان‌زده یونگ خبری است. این مقاله با نگاه لکانی به ریشه‌های حکایت شهریار و برادرش شاهزمان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شهریار، شهرزاد، روان‌کاوی، لکان، هنر/رویک‌شب.

abbasbararijirandehi@gmail.com

* safayi.ali@guilan.ac.ir

nikouei@guilan.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.